

## 12. مجموع امور لازم اللحاظ در تحلیل نصوص مرتبط با تصدی زنان

اموری که در ذیل مورد اشاره قرار می‌گیرد، اموری است که در تحلیل نصوص مرتبط با تصدی زنان ملاحظه آن‌ها لازم است. این امور ارتباط مباشر در تحلیل نصوص مورد نظر دارد و خاص یک دلیل معین از بین آن ادله نیست.

البته مقدمات و مبانی گذشته هم دخیل در تحلیل و فهم نصوص مزبور بود لکن ارتباط مباشر با مسأله تصدی نداشت برخلاف پدیده‌های ذیل که عموماً ارتباط مباشر دارند.

### 1. لزوم پالایش موارد مخالف کتاب، سنت و واقع خارجی

روایات مرتبط با مسأله زنان، مثل هر نص معتبر دیگری نباید مخالف کتاب، سنت و واقع خارجی باشد؛ بنابراین نهاد «پالایش» در این نصوص هم جاری است. ما معتقدیم برخی از روایات گذشته که در آینده مورد تحلیل قرار می‌گیرند باید پالایش شود و با قدری احتیاط، علمش به اهلش واگذار گردد. به مورد یا مواردی از این قبیل بعداً اشاره خواهیم کرد.

### 2. ملاحظه صدور نص از شأن تشریح و بیان شریعت

نصوص صادر از خداوند، پیامبر - صلی الله علیه و آله - و ائمه - علیهم السلام - وقتی در استنباط به کار می‌آید که از شأن تشریح و بیان شریعت صادر شده باشد<sup>1</sup> و الا اگر نصی مثلاً به عنوان بیان یک واقع صادر شود، نظیر آن چه در روایات ملاحم هست، نمی‌توان از آن‌ها در استنباط بهره برد. این نکته در نصوص مورد بحث هم جاری است. قبلاً در این باره اشارتی داشتیم و در بحث آینده با تفصیل بیشتر اشاره خواهیم کرد.

### 3. ملاحظه ضرورت‌های شرعی و فقهی

بدون تردید فقه باید بر محور ادله باشد، لکن نسبت گزاره‌های حتی مشهور و اجماعی آن با مدلول ادله نسبت تساوق نیست؛ به همین دلیل گاه مفاد یک یا چند روایت معتبر مورد اعراض فقیهان یا مشهور از ایشان قرار می‌گیرد یا برعکس، خبر ضعیفی مورد اقبال ایشان واقع می‌شود، واضح است که نمی‌توان به راحتی از این مشهورات و گاه ضرورت‌های فقهی (که در نهایت ضرورت‌های شرعی است) گذشت، از این رو در تحلیل مفاد روایات آتی باید به این نکته هم توجه کرد. برخی از روایات مورد نظر مفتی به احدی از فقیهان سترگ نیست. در ادامه به مورد یا موارد آن اشاره می‌کنیم.

### 4. ملاحظه گستره مدلول نصوص و التزامات فقهی

واضح است که اصل دلالت یک دلیل از گستره آن جداست و تسالم بر اصل مفاد معین و مبین گستره آن نیست.

1. آن چه در این شماره مطرح گردیده، نیازمند مکمل است که در فقه و مصلحت، صص 495. 510 آمده است.

به عنوان مثال در کریمه \*الرجال قوامون علی النساء\* باید اصل قوام بودن مردان بر زنان را از گستره آن جدا کرد. مثلاً اگر اصل قوام بودن مورد تسالم است، این تسالم تا کجاست؟ آیا به اطلاق آن می‌توان ملتزم شد؟ آیا دلیل مزبور چنین اطلاقی دارد؟ آیا التزام فقهی بر طبق آن هست؟ و...

همچنین مخالفان هر گونه ولایت زن بر مرد تا کجا به این مخالفت ادامه می‌دهند؟ آیا اگر ولایتی مورد توافق مردان باشد باز هم این مخالفت ادامه دارد؟ آیا ولایت زن را حتی در مدیریت یک مدرسه یا کودکانستان و... هم مورد مخالفت قرار می‌دهند؟ به چه دلیل؟ و اگر مخالف نیستند، چرا؟

همچنین در طرف مقابل، اگر کسی جواز تصدی زنان را قبول داشته باشد، به این جواز تا کجا ملتزم می‌شود، آیا تا حد سلطنت، رهبری و قرار گرفتن در بالاترین سطح قدرت می‌پذیرد؟

#### 5. گسست نصوص مبین گزاره‌های جهانی و جاودان از غیر آن و ملاحظه حدود تغییرات شخصیتی زنان

در نصوص مورد نظر، شاید نصوصی باشد که خالد و جهانی نیست و با توجه به ظرفیت‌های خاصی که حاکم بوده است، صادر شده باشد. به بیان دیگر: اگر در مقایسه‌ای عام بین شخصیت عموم زنان در عصر صدور نصوص با زمان‌های بعد (هر چند در زمان‌های آینده و با تغییر در مدل‌ها و سبک تربیت زنان و زندگی) به تفاوت اساسی برسیم، آیا می‌توان نصوص گذشته را برای زمان‌های بعد مصرف کرد؟ البته منظور ما زیر پا گذاشتن اصول و هنجارهای فقهت - از جمله اصل ادعا شده، ابدی انگاری مفاد نصوص - نیست، لکن در چارچوب همان هنجارها باید به نکته مذکور در این شماره هم توجه داشت. بدون شک گسست مورد تاکید در این شماره هم بخشی از هنجارهای فقهت است، هر چند برخی مدعیان، عادت به ملاحظه امثال این امور ندارند!!

#### 6. از تشریح تا اجرا

قانون گذار معمولاً، قوانین خود را با ملاحظه همه جهات، اعتبار می‌کند، به ویژه قانون گذار اسلام که در این جهت عالم به کل است و بی‌تردید اقتضائات اجرا را هم در نظر می‌گیرد، سپس در قالب یک بسته به شهروندان، مخاطبان و متدینان ارائه می‌دهد؛ با این همه در ظرف اجرا گاه اقتضائاتی پیش می‌آید که تعدیلاتی صورت می‌پذیرد، تعدیلاتی که حد و عنوان خاصی ندارد، با این همه در صحن اجرا خود را تحمیل می‌کند؛ در این جاست که برخی گزینه‌ها مثل «شریعت برای جامعه باید و شریعت برای جامعه هست» مطرح می‌شود یا «حداکثری دیدن در تقنین و تعدیل در اجرا». حال باید دید نصوص مرتبط با مسأله زنان در چه فضایی صادر شده است و آیا تعدیلات را در نظر گرفته است یا نه؟ آیا فقیه می‌تواند این تعدیلات را در نظر گیرد و بر اساس آن فتوا دهد و تعامل خود را با نصوص مرتبط با این ملاحظه مدیریت کند؟<sup>2</sup>

2. در تدریس این نکته توضیح کافی داده شد.